



بررسی تابعیت در قانون مدنی ایران

وحید عظیمی^۱، حمیدهنری فلاح^۲^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد زنجان، پست الکترونیکی: kamajid.400@gmail.com

چکیده

یکی از موضوعات حقوق بین الملل خصوصی مبحث تابعیت است موضوع و مفهوم تابعیت از دیرباز مورد علاقه علمای حقوق و سیاستمداران بوده است و از زمان تاسیس دولت و کشورها اولین سوال مطرح شده، تعیین و چگونگی تعلق افراد مرتبط با این پدیده بوده است. تابعیت به عنوان رابطه یک فرد با دولت متبوعی است که خود را متعلق به آن دولت می داند که در قبال هم وظایف و تعهداتی دارند. در این بین کشورها از روش های مختلفی برای اعمال تابعیت استفاده می کنند. تعدادی از آنها از سیستم خون و تعدادی دیگر از سیستم خاک و گاهی تلفیق این دو روش برای اعمال تابعیت استفاده کرده اند. که ما در این مقاله به بررسی آنها میپردازیم.

کلیدواژگان: تابعیت، سیستم خاک، سیستم خون،

آن یکی هست مفلس ومفلوک *

سند تا بعیتش مشکوک

مقدمه

یکی از اصول مهم در رابطه با تابعیت لزوم جلوگیری از بی تابعیتی است. در راستای تحقق این امر باید در وضع مقررات مربوط به تابعیت کشورها ترتیبی اتخاذ گردد تا هر شخص دارای تابعیتی باشد و از تابعیت مضاعف نیز جلوگیری گردد و بر اساس آن حقوق و تعهدات وی مشخص شود. دو سیستم خاک و خون به عنوان ضابطه اعطای تابعیت توسط دولت ها مطرح شده است. در سیستم خون تحمیل تابعیت از راه نسب و تابعیت والدین است و در سیستم خاک محل تولد تعیین کننده تابعیت هر شخص است. کشورهای از روشهای مختلفی برای اعطای تابعیت برگزیده اند. در بررسی قوانین مربوط به تابعیت کشور ایران قانونگذار برای اعطای تابعیت در ابتدا اصل خون را مورد توجه قرار داده و در شمارش اتباع ایران می گوید: «کسانی که پدر آنها ایرانی است، اعم از این که در ایران یا در خارج متولد شده باشند.» تبعه ایران محسوب می شوند. (قانون مدنی ماده ۹۷۶) و در بعضی از موارد اصل خاک را با شرایطی پذیرفته و در مواقعی سکوت اختیار کرده است.

تعریف تابعیت:

حقوق دانان برای تابعیت تعاریف گوناگون و گاه متعارض ارائه کرده اند. این تعاریف، از سویی، ناشی از اختلاف نظر حقوقدانان نظام رومی - ژرمنی با نظام کامن لاء در خصوص نگرش به مسئله تابعیت است و

از سوی دیگر، ناشی از وضع خاص خود مسئله تابعیت است، به این معنی که قانون گذاران نظامهای حقوقی رومی - ژرمنی برای تحصیل تابعیت اصلی و اکتسابی شرایط مختلفی را اعلام کرده اند که موجب بروز اختلاف نظر در تعریف تابعیت شده است.

باتیفل حقوقدان مشهور فرانسوی و از نظریه پردازان مشهور حقوق بین الملل خصوصی در نظام حقوقی رومی - ژرمنی تابعیت را «تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دهنده دولت» می داند (ناصری، ۱۳۸۲، ۵۸). چنان که مشخص می شود عده ای از حقوقدانان مانند باتیفل تابعیت را از موضوعات حقوق خصوصی دانسته، بیشتر بر جنبه شخصی آن نظر داشته و عده ای دیگر از حقوقدانان در تعریف خود از تابعیت بر وصف حقوقی رابطه تابعیت تاکید می کنند.

نظر حقوقدان دیگری به نام چندرا این است که «تابعیت، خصوصیت عضویت در یک ملت یا دولت خاص است که وضعیت سیاسی و وفاداری شخص را تعیین می کند (آل کجیاف، ۱۳۹۰، ۵۹)

دیوان عالی کشور نیز با تاکید بر وصف حقوقی، تابعیت را چنین تعریف می کند: تابعیت وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاصی است که شخص را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می سازد و جزء عناصر و اوصاف ایجاد کننده حالت یا به تعبیر دیگر موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می گیرد که به لحاظ ارتباط آن با نظم عمومی به طور کلی قابلیت اسقاط و اعراض، به انکاء اقدام حقوقی یک جانبه شخص و یا قابلیت انتقال به غیر و یا شمول مرور زمان را ندارد و در عین حال منشأ اثر از لحاظ ایجاد حقوق و تکلیف و الزامات خاص می گردد. (ناصری، ۱۳۸۲، ۵۹) لیکن اکثر حقوقدانان بر یک معنا اتفاق نظر دارند و آن عبارت از این نکته است که: «تابعیت رابطه ای سیاسی و حقوقی و معنوی که شخصی را در جامعه جهانی به دولت - کشور معینی مرتبط می سازد» همان طور که گفته شد پرفسور باتیفل (تابعیت را تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دهنده دولت می داند) هر چند در تعریفی که پرفسور باتیفل از تابعیت ارائه نموده است، همانند عناصر سه گانه مندرج در تعریف اکثر حقوقدانان بصورت ضمنی قید گردیده است، تنها وجهی که در تعریف باتیفل تا حدودی بدان اشاره نشده، شاید نحوه ارتباط بین شخص و جمعیت تشکیل دهنده دولت - کشور باشد. زیرا در مبحث اعطای تابعیت می بایست معلوم گردد که آیا جمعیت تشکیل دهنده دولت (ملت) است که تابعیت را اعطا میکند یا اینکه دولت اعطا کننده تابعیت است. (فدوی، سلیمان، ۱۳۸۱، ۳۰)